

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی

۲۱ جون ۲۰۲۱

جشن و سرور حامیان «آیت الله قتل عام»!

وزارت کشور جمهوری اسلامی ایران روز شنبه اعلام کرد که در سیزدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران ابراهیم رئیسی با کسب ۱۷ میلیون و ۹۲۶ هزار و ۳۴۵ رای به پیروزی رسیده است.

سیزدهمین دوره نمایش مضحک و مهندسی شده انتخابات ریاست جمهوری همزمان با دو انتخابات میان دوره ای مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری و همچنین ششمین دوره انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا، ساعت ۷ صبح روز جمعه ۱۸ خرداد ۱۴۰۰ - ۱۸ ژوئن ۲۰۲۱ در سراسر کشور و ۱۳۳ کشور دنیا برگزار شد و بر خلاف قوانین انتخابات خود حکومت و انتخابات های گذشته، اخذ رای تا ساعت ۲ بامداد تمدید شد. بسیاری از گزارش ها و فیلم های منتشر شده در شبکه های اجتماعی نشان می دهند که مراجعه به سفارت خانه ها و کنسولگری های جمهوری برای رای دادن بسیار ناچیز بوده است.

اگرچه ساعت ۲ بامداد درهای شعبه های اخذ رای بسته شد اما افرادی که در محل شعبه حضور داشتند به داخل هدایت شده و از همه آنها به طور کامل رای گیری شده است. شاید به این ترتیب خواستند صندوق های خالی را نصف شب با شرکت سربازان گمنام امام زمان پر کنند.

خامنه ای و طرفداران حکومت شان با انتصاب ابراهیم رئیسی به عنوان رئیس جمهوری اسلامی ایران یک بار دیگر مرتکب جنایت علیه بشریت شدند و باز هم به زخم های مادران و پدران و همه خانواده هایی که عزیزان آنها را کشته اند نمک پاشیدند.

البته گروه های روزنامه ها اصلاح طلب و سلبریتی ها در ای سناریوی سپاه جمهوری اسلامی را نباید فراموش کرد. تعریف و تمجید دروغین و ریاکارانه رسانه های اصلاح طلب و برخی سلبریتی ها از آخوند قاتل!

از سوئی برای بسیاری از طرفداران جمهوری اسلامی، بسیار حیرت انگیز و شوکه کننده بود که حتی علی لاریجانی، رئیس سابق مجلس، مشاور رهبر، نزدیک به سپاه پاسداران و فرزند یک آیت الله پر قدرت، که می توانست با رئیسی رقابت کند، رد صلاحیت شد. در واقع حضور چهار نامزد اصول گرا، صرفاً «پوششی» برای برنده از پیش تعیین شده بود. فقط محسن رضائی، فرمانده سابق سپاه پاسداران در تمام طول جنگ عراق و ایران و چندین بار نامزد ریاست جمهوری، نامزد شد که می دانستند رای چندانی نمی آورد.

ابراهیم رئیسی از روزهای نخستین روی کار آمدن حکومت اسلامی در ایران در سمت های مهم قضائی مانند دادستان کرج و همدان، «معاونت گروهکی» دادستانی انقلاب، و در نهایت ریاست قوه قضائیه از سال ۱۳۸۹ بوده است.

از او در ایران به عنوان «قاضی مرگ» و از «اعضا هیات مرگ» یاد می‌شود این بخش سابقه اجرائی رئیسی به اعدام‌های دست‌جمعی زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ باز می‌گردد که در آن طی چند هفته هزاران زندانی سیاسی عمدتاً عضو سازمان‌های چپ و کمونیست و سازمان مجاهدین خلق اعدام شدند.

در آن زمان او عضو گروه چهارنفره‌ای بود که احکام اعدام هزاران زندانی مخالف که در حال گذراندن دوران محکومیت خویش بودند را بر اساس فتوای روح‌الله خمینی بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، صادر و اجرا کرد.

این گروه چهار نفره به «هیات مرگ» معروف شده است. مشارکت مستقیم در این قتل‌عام گسترده سبب شده تا مخالفان جمهوری اسلامی و مردم ایران به رئیسی لقب‌های «آیت‌الله اعدام» و «آیت‌الله قتل‌عام» بدهند.

پیشاپیش بسیاری از تحلیل‌گران صراحتاً اعلام کرده بودند که بیت رهبری پیشاپیش رئیسی را نه تنها به عنوان رئیس جمهور بلکه حتی جانشین خامنه‌ای نیز انتخاب کرده است.



وزارت کشور جمهوری اسلامی ایران، آمار مشارکت در انتخابات را نیز ۴۸.۸ درصد اعلام کرده که پائین‌ترین میزان مشارکت در تمام انتخابات ریاست جمهوری ایران از آغاز حیات جمهوری اسلامی محسوب می‌شود.

هرچند که کمتر کسی به آمارهای اعلام شده از سوی جمهوری اسلامی را باور می‌کند. از بس که سران و مقامات و نهادهای جمهوری اسلامی به مردم دروغ گفته‌اند حتی اگر گاهی هم حرف راستی بزنند باز هم باور ندارند. به علاوه در ایران نهاد مستقل و یا نظارت مستقل بر انتخابات و شمار آرای مردم وجود ندارد و به همین دلیل مقامات حکومتی خود می‌برند و خود می‌دوزند.

گزارش وزارت کشور اگرچه محسن رضائی را نفر دوم اعلام کرده اما میزان آرای باطله از نفر دوم انتخابات بیش‌تر بوده است.

به گزارش ایسنا، شکراله حسن بیگی، رئیس ستاد انتخابات استان تهران با اشاره به آمار مشارکت و جزئیات آرای انتخابات ریاست جمهوری ۲۸ خرداد ۱۴۰۰ در این استان اظهار داشت: بر اساس تجمیع نتایج صندوق‌های رای انتخابات ریاست جمهوری، از مجموع ۹ میلیون و ۸۱۵ هزار و ۷۷ نفر واجدین شرایط شرکت در انتخابات در استان تهران، ۳ میلیون و ۳۴۶ هزار و ۵۸۰ رای اخذ شده که معادل مشارکت ۳۸/۳۴ درصد واجدین شرایط در استان تهران و درصد مشارکت شهر تهران ۲۶ درصد است.

او همچنین درباره جنسیت مشارکت‌کنندگان گفت: در انتخابات ریاست جمهوری استان تهران ۵۴ درصد مشارکت‌کنندگان مردان و ۴۶ درصد را زنان تشکیل دادند.

گفته می‌شود از ۱۲ شب تا ۲ بامداد مذاکرات توأم با تهدید و ارباب در راس حکومت جریان داشت و سنگین‌ترین بحث‌ها بر سر ارقام آرا و دستور انتشار آن را به وزیر کشور بدهد. دیگران نیز سکوت و تمکین را پذیرند.

عبدالرضا رحمانی فضلی وزیر کشور دولت شیخ حسن روحانی، میزان مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری را ۸/۴۸ درصد اعلام کرد. فرص کنیم این آمار درست که نیست به عبارت دیگر، نزدیک به ۲۹ میلیون نفر در انتخابات

شرکت کرده‌اند که شمار قابل توجهی از آنان به هیچ یک از نامزدها رای نداده‌اند. در واقع شمار آراء باطله از میزان رای محسن رضائی یا عبدالناصر همتی بیش‌تر است.

عصر شنبه ۲۹ خرداد، وزارت کشور نتایج قطعی انتخابات را چنین اعلام کرد:

میزان مشارکت: ۴۸.۸ درصد

ابراهیم رئیسی: ۱۷ میلیون و ۹۲۶ هزار و ۳۴۵ رای

محسن رضائی: ۳ میلیون و ۴۱۲ هزار و ۷۱۲ رای

عبدالناصر همتی: ۲ میلیون و ۴۲۷ هزار و ۲۰۱ رای

امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی: ۹۹۹ هزار و ۷۱۸ نفر

آراء باطله: ۳ میلیون و ۷۲۶ هزار و ۸۷۰ رای

شمار آراء باطله توجه زیادی را به خود جلب کرده است. قبل از اعلام این نتایج، محمدعلی ابطی، آخوند اصلاح‌طلب

و همکار قدیمی محمد خاتمی در تلگرام نوشت: «میزان آرای باطله، جدی بودن مردم در رساندن پیام‌شان بود...»

کانال تلگرام مصطفی تاجزاده نیز قبل از اعلام نتایج نموداری را منتشر کرد و نوشت که «بیش از ۴ میلیون نفر -

معادل ۹۱/۶ درصد واجدین شرایط - رای باطله دادند...»

حسین دهباشی، مستندساز نیز گفته است «اصلاح‌طلبان حتی به آرای باطله هم باخته‌اند.» به گفته او اصلاح‌طلبان با

اشتباهات و ندانم‌کاری خود «همتی را هم بدبخت کردند...»

خود این ارقام رسمی نشان می‌دهند که تحریم نمایش انتخابات ۱۴۰۰ موفق بوده است. بر اساس آمارهای رسمی، در

انتخابات ریاست جمهوری ۹۲ و ۹۶، به ترتیب ۷۲ درصد و ۷۳ درصد مشارکت داشتند. مشارکت ۴۸.۸ درصدی،

یعنی ۲۴ درصد کاهش مشارکت نسبت به دو دوره قبل. تعداد مشارکت‌کنندگان در بیعت‌های ۹۲ و ۹۶ به ترتیب حدود

۳۷ و ۴۱ میلیون نفر بوده است که با مقایسه با ۲۹ میلیون نفر ۱۴۰۰، حکایت از ریزش ۸ تا ۱۲ میلیون نفری (بدون

توجه به افزایش جمعیت) رای‌دهندگان دارد. اگر مقام‌ها به آمارهای خودشان نگاه کنند، خواهند دید که از یک جنبش

بدون امکانات، سخت شکست خورده‌اند. همین جنبش تحریمی است که نشان می‌دهد در ایران هنوز نیروهائی با حداقل

اصول و هنجارهای انسانی وجود دارند که می‌توانند سنگ بنای جامعه نوین آزاد و برابر و عادلانه ایران باشند!

احمد نادری رئیس هیات عالی نظارت بر انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستای استان تهران، از گزارش‌هائی

مبنی بر خرید و فروش رای در برخی شهرستان‌های این استان خبر داد. ایسنا به نقل از نادری نوشت: «کسانی که

خرید و فروش رای می‌کنند بدانند در صورت اثبات شواهد و قرائن، آرای کاندیداها در همان صندوق‌های مربوطه باطل

خواهد شد.»

خبرگزاری فارس وابسته به سپاه پاسداران نوشت که تا ساعت یک ربع به پنج عصر جمعه، بیش از ۱۴ میلیون نفر

رای داده‌اند؛ رقمی که به معنای مشارکت ۲۳ درصد افراد واجد شرایط رای است.

معاون پولیس راهور با یادآوری لغو منع تردد شبانه در روزهای ۲۷ و ۲۸ خرداد به شهروندان پیام داده که نگران

پیامک‌های جریمه دیشب نباشند. او گفته که پیامک‌ها به طور اتوماتیک ارسال شده‌اند و حذف خواهند شد.

بنابر این می‌توان گفت که این ترفندها و دلیل طولانی کردن ساعت انتخابات فرصت دادن به کسانی به ویژه بسیجی‌ها و

سپاهی‌ها بود که بتوانند با شناسنامه‌های مختلف در حوزه‌های مختلف رای بدهند تا آرا را بالا ببرند.

همزمان شورای نگهبان از وصول ۴۹۷۴ شکایت از تخلفات انتخاباتی تا ساعت چهار بعد از ظهر خبر داد. این شکایات شامل تاخیر در رای‌گیری، کندی دستگاه‌های احراز هویت یا درج نام داوطلبان انصرافی در آگهی‌های موجود در حوزه‌ها می‌شوند.

انتخابات سیزده‌هم و نام سید ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور از پیش منتخب رهبر و شورای نگهبان و رئیس‌فعلی قوه قضائیه تا ساعاتی دیگر رسماً به عنوان فرد پیروز اعلام شد. ستاد انتخاباتی رئیسی در نامه‌ای محرمانه که در فضای مجازی منتشر شده خبر پیروزی را به اعضای ستاد خویش ابلاغ کرده بود اما از آنان خواسته تا اعلام رسمی نتایج سکوت کنند.

اخراج ناظران نماینده‌ها از برخی شعبه‌ها، مهر نداشتن برگه تعرفه، کمبود تعداد کارت‌های اخذ رای شورای شهر، نبود لیست کاندیدها در برخی شعبه‌ها و درج اسم کاندیدهای انصراف‌داده روی برگه‌های شماره کاندیدها از جمله دیگر مواردی هستند که رسانه‌های داخل ایران منتشر کرده‌اند. این موارد از سوی مدافعان جمهوری اسلامی، مشکل مدیریت و اخلاف توصیف شده است و از سوی معترضان به انتخابات، زمینه‌ای برای رای‌سازی و تقلب.

تصاویری که از حوزه‌های رای‌گیری سراسر کشور منتشر شده رای‌دهندگانی را نشان می‌دهد که اغلب از عوامل حکومتی، روحانیت، بسیجیان و وابستگان و امتیازگیران و رانت‌گیران هستند.

مقام‌های جمهوری اسلامی از رافیان خود را بسیج کرده بودند که حوزه‌های رای‌گیری بی‌رونق را کمی رنگ و لعاب بدهند و به همین دلیل در اولین ساعات رای دادند تا دست‌کم برخی حوزه‌ها خالی نمانند. خبرنگاران حکومتی نیز با بوق و کرنا از آن‌ها گزارش تهیه می‌کردند. جالب است که عکس‌ها و فیلم‌هایی که رای‌دادن نامزدها و مقام‌ها را نشان می‌دهند از شلوغی حوزه رای‌گیری خبری نیست، بلکه نزدیکان مقام‌ها و عکاسان و خبرنگاران و گروه رای‌گیران را در کنار آن‌ها به نمایش می‌گذارند.

این بار جنبش تحریم نمایش انتخابات نه‌تنها در دیوارها نوشته شده بودند بلکه در تریبون‌های دولتی بازتاب داشتند. با توجیه همه‌گیری کرونا اعلام کردند حوزه‌های رای‌گیری تا ساعت ۲ بامداد روز بعد باز خواهند بود. این امر برای پر کردن صندوق‌های سیار توسط ناظران شورای نگهبان بود که در ساعات تاریک و پایانی شب آسان‌تر تقلب‌های خود را انجام دهند.

در مورد رای‌گیری با صندوق‌های سیار (حدود یک سوم صندوق‌ها) در ساعات پایانی شب محدودیتی حتی به طور صوری اعلام نشده بود.

انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ به همه چیز شباهت داشت جز انتخابات، بلکه شبیه مراسمی بود برای معارفه ابراهیم رئیسی بود تا کسانی که با چهره‌اش آشنا نبودند، با او بهتر آشنا شوند.

صدها ویدئو از شهرهای مختلف ایران در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده‌اند که از خلوتی حوزه‌های رای‌گیری خبر می‌دادند.

اولین تاثیر انتخابات ۱۴۰۰، فرو ریختن مرزهای اصلاح‌طلبی و اصول‌گرایی بود. هر چند زمینه فروپاشی «جبهه اصلاحات» در انتخابات سال ۹۸ مجلس فراهم شده بود، اما در این انتخابات به مرحله نهایی رسید. جبهه اصلاحات ابتدا تلاش بسیاری کرد تا با نامزدی واحد وارد عرصه انتخابات شود. محمدجواد ظریف اولین گزینه‌ای بود که می‌توانست مورد اجماع همه ۴۱ تشکل عضو قرار گیرد و با اقبال عمومی مواجه شود. اما پیش از آن که شورای نگهبان دست به کار شود فایل صوتی مربوط به وی را منتشر کردند. پس از آن چشم امید اصلاح‌طلبان به اسحاق جهانگیری و حتی علی لاریجانی (اصلاح‌طلب - اصول‌گرا) بود. اما این بار به روشی که هاشمی رفسنجانی را در سال

۹۲ از صحنه بدر کردند، این بار علیه اصلاح‌طلبان به کار گرفتند. از این جا به بعد جبهه اصلاحات دچار سردرگمی شدید شد.

با تأیید صلاحیت محسن مهرعلیزاده و عبدالناصر همتی دو دوستگی در میان جبهه اصلاحات به وجود آمد. بخشی از اصلاح‌طلبان از این دو نامزد خواستند تا در اعتراض به وضعیت موجود و اقدام شورای نگهبان انصراف دهند اما بخش دیگری تلاش کردند تا خود را به این دو نامزد نزدیک کنند و با حضور در ستادهای انتخاباتی این دو نامزد تلاش کردند تا بقیه را نیز همراه خویش سازند. فعالان اصلاح‌طلب با برپائی کلاب‌های شبانه در شبکه اجتماعی کلاب‌هاوس تا پاسی از صبح مشغول مجاب کردن یکدیگر به رای دادن یا ندادن و حمایت یا عدم حمایت از این دو نامزد بودند. بهزاد نبوی و غلامحسین کرباسچی کوشیدند تا مهدی کروبی و محمد خاتمی را به حمایت از همتی ترغیب کنند. سپس با وجود آن که جبهه اصلاحات اعلام کرده بود نامزدی برای انتخابات ریاست جمهوری ندارد اما دو بار این موضوع در دستور کار جبهه اصلاحات قرار گرفت اما رای نیلورد. با این وجود بخشی از طرفداران همتی از جمله حزب اعتماد ملی و کارگزاران سازندگی جداگانه از نامزدی همتی حمایت کردند و بدین ترتیب پایان کار جبهه اصلاحات را صادر کردند.

در واقع این نمایش انتخابات نه تنها کل جمهوری اسلامی بلکه جناح اصلاح‌طلب را نیز مفتضح‌تر کرد. مهدی کروبی ملقب به «شیخ اصلاحات» از همتی حمایت کرده و در خانه‌اش رای داد.

غلامحسین کرباسچی دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی، پشتیبانی از همتی را با این مصرع بیان کرده است: «اهل همت رخنه در سد سکندر می‌کنند.» میرحسین موسوی انتخابات را تحریم کرده است.

شاید خامنه‌ای و سایر سران و مقامات قاتل و تبهکار جمهوری اسلامی ایران احساس کنند که با پشت سر گذاشتن این انتخابات یک بار سنگین را از روی دوش خود برداشته‌اند و اکنون زمان آن رسیده است که با خیال آسوده در کاخ‌های خود به تفریح و استراحت بپردازند. اما شاید عاقل‌ترین‌های این حکومت به آن‌ها هشدار دهند که تازه بحران جدید داخلی و خارجی با اعلام ریاست جمهوری ابراهیم رئیسی قاتل در حال شکل گرفتن است و باید هوشیار باشند! بنابراین توفانی در راه است که ریشه و سرآغاز آن با تحریم نمایش این انتخابات آغاز شده و امواج سنگین و کوبنده آن در ابعاد وسیع داخلی و بین‌المللی در حال پیشروی است.

انتخابات این دوره در حالی برگزار شد که نه تنها فعالان مدنی و سیاسی در ایران و خارج از کشور بار دیگر از تحریم انتخابات دفاع کردند. به عنوان نمونه، گوهر عشقی که فرزندش ستار بهشتی در سال ۹۱ در بازداشتگاه پولیس کشته شد خطاب به کسانی که در پی رای دادن بودند گفت رای شما رای «به ویرانی بیش‌تر ایران» و «کشتار مردم بی دفاع» است. در ماه‌ها و هفته‌های گذشته شمار زیادی از فعالان مدنی و سیاسی، و نیز شهروندان ایرانی داخل و خارج از کشور اعلام کرده‌اند که انتخابات را در اعتراض به «نمایشی» بودن آن تحریم می‌کنند؛ رویکردی که سابقه که باعث شده است فضای انتخاباتی نسبت به دوره‌های قبل سردتر و کم رونق‌تر باشد.

با وجود تلاش‌های تلویزیون دولتی ایران برای نشان دادن فضای «پر شور» در انتخابات، خبرگزاری‌های خارجی از جمله آسوشیتدپرس نیز کم رونق بودن انتخابات در ایران را تأیید کردند و اشاره داشتند که تلویزیون دولتی در بسیاری از گزارش‌های تصویری خود سعی کرده است که فضای مراکز اخذ رای را به طور کامل به تصویر نکشد و با اشاره به کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، سعی داشت مشارکت پائین را کم اهمیت جلوه دهد.

مدیر مسؤول هفت رسانه اصلاح‌طلب سه روز پیش از انتخابات در دیدار غیرمنتظره خود با «ابراهیم رئیسی»، کاندیدای ریاست جمهوری و رئیس فعلی قوه قضائیه، نظراتی درباره وضعیت مطبوعات و روزنامه‌نگاران اصلاح‌طلب

در دوره مدیریت او بر قوه قضائیه دادند که عملاً مغایر با واقعیت است. آن‌ها مدعی شدند که در دوره ابراهیم رئیسی، رسانه‌های اصلاح‌طلب مشکلی نداشته‌اند و فعال رسانه‌ای نیز اگر احضار یا بازداشت شده، مشکل او سریع حل شده است.

در حالی این ادعاها مطرح شده‌اند که براساس اخبار منتشر شده و روایت روزنامه‌نگاران، از هفته اول خرداد ماه حداقل ۴۲ روزنامه‌نگار و فعال شبکه‌های اجتماعی تهدید به نوشتن علیه ابراهیم رئیسی در مقام کاندیدای ریاست جمهوری در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی شده‌اند.

از اسفند ۱۳۹۶، از زمانی که رئیسی بر مقام ریاست قوه قضائیه نشست، تعدادی از روزنامه‌نگاران، فعالان رسانه‌ای و بسیاری از فعالان شبکه‌های اجتماعی به دلیل نوشتن مطالبی که مورد علاقه حکومت نبوده، بازداشت، احضار، تهدید و محکوم به زندان شده‌اند.

اما «محمدعلی وکیلی»، مدیر مسئول روزنامه «ابتکار» در تاریخ ۲۵ خرداد، در ملاقات عجیب تعدادی از مسؤولان رسانه‌های به اصطلاح «اصلاح‌طلب» با ابراهیم رئیسی مدعی شد که در دوره ریاست او در قوه قضائیه، مطبوعات شاهد هیچ «مزاحمتی» نبوده‌اند.

محمدعلی وکیلی حتی فراتر از این رفت و گفت: «اگر هم زمانی چهره‌های مطبوعاتی اصلاح طلب احضار یا بازداشت می‌شدند، به محض مراجعه و پیگیری امور آن‌ها، مسؤولان قضائی در کوتاهترین زمان در چارچوب قانون مساعدت‌های لازم را انجام می‌دادند.»

همچنین «منصور مظفری»، مدیر مسئول روزنامه «آفتاب یزد» نیز مدعی شد که در دوران مدیریت رئیسی بر قوه قضائیه، بسیاری از مشکلات مطبوعاتی‌ها حل شده است. «مهدی رحمانیان»، مدیر مسئول «شرق»، روزنامه‌ای که در سال‌های گذشته جزو اصلاح‌طلب‌ترین روزنامه‌ها به حساب می‌آمده است هم در این دیدار به نقل حرف‌های همسرش پرداخت و گفت به قول او، آن‌ها در مدت ریاست رئیسی بر قوه قضائیه کمتر به دادگاه رفته‌اند.

رحمانیان گفت: «همسر من گفت همین که کمتر دادگاه می‌رفتید و مثل قبل به من پایند نزدند و مزاحمتی در قوه قضائیه نداشته‌ام، خودش نشان‌دهنده این است که شما آدم خوبی هستید.»

اما واقعیت متفاوت از این ادعاهاست، فشار قوه قضائیه طی دو سال گذشته نه تنها بر خبرنگاران داخلی بلکه بر خبرنگاران شاغل در رسانه‌های فارسی زبان خارج از کشور نیز وجود داشته و حتی از این محدوده هم خارج شده و آزار و اذیت‌ها شامل حال خانواده‌های خبرنگاران رسانه‌های فارسی زبان خارج از کشور هم شده است تا فرزندان‌شان را به سکوت دعوت کنند.

در دوره ریاست ابراهیم رئیسی بر قوه قضائیه، «عالیه مطلب‌زاده»، عکاس و نایب رئیس «انجمن دفاع از آزادی مطبوعات» بازداشت شد و علی‌رغم درخواست «انجمن دفاع از آزادی مطبوعات» برای بررسی مجدد پرونده این روزنامه‌نگار در قالب جرم سیاسی با آن موافقت نشد و او از تاریخ ۲۰ مهر ۱۳۹۹ برای حکم دو سال حبس خود در زندان اوین به سر می‌برد. همچنین «کیوان صمیمی»، روزنامه‌نگار و سردبیر ماهنامه «ایران فردا» و عضو کانون نویسندگان ایران از تاریخ ۱۷ آذر ۱۳۹۹ با حکم سه سال زندان و خسرو صادقی بروجنی، روزنامه‌نگار و پژوهشگر با حکم پنج سال زندان، از شهریور ۱۳۹۹ در زندان اوین به سر می‌برند.

مدتی پیش نیز خبرهایی مبنی بر عدم رسیدگی پزشکی «صادقی بروجنی» در زندان منتشر شد. این روزنامه‌نگار از درد شدید دیسک کمر در زندان در رنج است. با این حال، رحمت ابراهیم رئیسی شامل حال این روزنامه‌نگاران نشده است.

از سوی دیگر، از اسفند ۱۳۹۶ تاکنون، چندین خبرگزاری، روزنامه و سایت خبری به دادرای فرهنگ و رسانه احضار و حتی متخلف شناخته شده‌اند. هفته نامه «صدا» به دلیل انتشار تصویر ناو جنگی امریکا و تیتزر «دوراهی جنگ و صلح» روی جلدش، از سوی دادرای فرهنگ و رسانه در ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۸ توقیف شد.

همچنین در روزی که مدیران مسؤولان روزنامه‌های اصلاح طلب به دیدار رئیسی شتافتند، خبری مبنی بر متهم شدن یک مدیر کانال تلگرامی به ۱۵ مورد اتهام در دادگاه عمومی و انقلاب شهرستان سمنان منتشر شد. براساس این خبر، «احمد مرادی»، مدیر کانال تلگرامی «ناسیونالیسم کردی» در حالی به ۱۵ مورد متهم شده که از هشت سال پیش ایران را ترک کرده است.

نجف مهدی‌پور خبرنگار اهل ایلام، مهدی سهرابی فعال رسانه‌ای اهل زنجان، امیرعباس دهباشی‌نژاد خبرنگار اهل بوشهر، شهرام صفری خبرنگار اهل کرمانشاه، الیه رمضان‌پور خبرنگار «همشهری» در استان گلستان و الیه موسوی خبرنگار حوزه محیط زیست از جمله روزنامه‌نگارانی هستند که طی یک سال اخیر به دادگاه احضار شده‌اند یا حکم زندان گرفته‌اند.

در این دیدار، مدیر مسؤولان روزنامه‌های شرق، آفتاب یزد، ابتکار، «دنیای اقتصاد»، «آرمان»، «جهان صنعت»، رسانه «راوی»، خبرگزاری «ایسنا» و تعدادی روزنامه‌نگار، از جمله «احسان مازندرانی» مدیر مسؤول سابق روزنامه «فرهیختگان» و «نعمت‌الله شهبازی» دبیر انجمن صنفی مدیران روزنامه‌های غیردولتی حضور داشتند.

«علی مزینانی»، مدیر عامل روزنامه «هفت صبح» در توییتر خود با انتقاد از این دیدار نوشت: «از خبر دیدار برخی مدیران روزنامه‌ها و سایت‌ها با ایت‌الله رئیسی شوکه شدم. کاش ما را هم دعوت می‌کردند که حداقل هشدار می‌دادیم تبعات این دیدار برای تمام صنف است و بی‌اعتمادی به رسانه را دامن می‌زند.»

او همچنین نوشت که مسؤول این دیدار محمدعلی وکیلی بوده است: «اطلاع موثق دارم که آقای وکیلی، مدیر مسؤول روزنامه ابتکار بانی این جلسه بوده؛ چرا؟»

براساس آنچه سازمان گزارشگران بدون مرز اعلام کرده، از تاریخ شش خرداد ۱۴۰۰، از زمانی که آغاز ثبت نام نامزدها برای انتخابات آغاز شده است، دستکم ۴۲ فعال رسانه‌ای از سوی دادستانی زیر نظر مستقیم ابراهیم رئیسی، وزارت اطلاعات و اطلاعات سپاه پاسداران احضار و تهدید شده‌اند.

سازمان گزارشگران بدون مرز اعلام کرده بود نوشتن در باب «تشویق به رای ندادن و انتقاد از انتخابات» و «انتقاد از ابراهیم رئیسی» از سوی آن‌ها ممنوع اعلام شده است. جمهوری اسلامی و مشخصاً قوه قضائیه آن یک بار دیگر و در آستانه انتخابات ریاست جمهوری، برخلاف ماده ۹ «میثاق جهانی حقوق مدنی و سیاسی» عمل کرده است. ماده ۱۹ این میثاق به تضمین آزادی بیان و گردش آزاد اطلاعات تأکید دارد.

یک روز پس از این حرف‌ها، «پژمان موسوی»، روزنامه‌نگار از روزنامه شرق استعفا داد. وی در توییتر خود با اعلام خبر استعفایش نوشت: «از روزنامه شرق استعفا می‌دهم. شرمندگی دوستانم در تحریریه شنبه‌های شرق هستم که در آغاز راه، جوان مرگ می‌شویم اما فکر می‌کنم یک چیزهائی هست که مهم‌تر از ادامه‌ی راه به هر قیمت ممکن است.»

همچنین دوشنبه ۲۴ خرداد جمعی از هنرمندان با رئیسی دیدار و حمایت خود از او را در انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ اعلام کردند. به گزارش خبرنگاران فرهنگ، هنر و رسانه گزارش خبر، شب دوشنبه ۲۴ خرداد جمعی از هنرمندان کشور با آیت‌الله سیدابراهیم رئیسی دیدار و حمایت خود از او را در انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ اعلام کردند.

این هنرمندان در متن بیانیه خود که به امضای حدود ۳۵۰ هنرمند رسیده، از جمله ادعا کردند: «... لذا ما جمعی از هنرمندان کشور در رشته‌های نمایشی، سینمایی، تجسمی و موسیقی بر این اعتقادیم که دولت سیزدهم باید توسط مدیری مدبر و صدیق، شریف، قانون‌مدار و عدالتخواه اداره شود تا مرهمی بر سوز دلسوختگان نهاده و فرهنگ و هنر این مرز و بوم را به قله عزت، جایگاه و خاستگاه اصلی خود برگرداند. ما به دکتر سیدابراهیم رئیسی رای می‌دهیم تا در کسوت ریاست جمهوری با بکارگیری مدیران و کارشناسان متخصص، مقتدر و دلسوز در عرصه فرهنگ و هنر و با ارائه برنامه‌ای مدون و اثربخش، عنصر تمدن‌ساز فرهنگ و هنر اصیل ایرانی اسلامی را در تراز انقلاب اسلامی به دامن مردم متمدن، شریف و شهید پرور این مرز و بوم برگرداند.»

سلبریتی‌ها یا همان چهره‌های جذاب و سرشناس سینمایی، تلویزیونی، ورزشی و ... باز هم در دوره انتخابات ریاست جمهوری، نوبت به امیرحسین مقصودلو معروف به تتلو رسیده که چهار سال پیش نیز در انتخابات ریاست جمهوری در کنار سیدابراهیم رئیسی قرار گرفت اما بعد به حاشیه رفت.

به گزارش روزنامه مردم سالاری آنلاین، تتلو در تازه‌ترین اظهار نظر خود درباره انتخابات که در کانال تلگرامش که بیش از یک میلیون عضو دارد، منتشر شده، نوشته است: «با این‌که اصلاً دوست ندارم راجع به انتخابات صحبت کنم این‌بار اما اگر آقای رئیسی رئیس جمهور بشه من با همه اتفاقاتی که ممکنه برام بیوفته میام ایران. من از اول هم اوکی بودم با آقای رئیسی! هنوزم اوکیم، در ضمن در دوره قبلی همه مارو مسخره کردن که هوادارای ما به سن قانونی نرسیدن اما ایندفعه چندسال گذشته و رسیدن. با اینکه خودم اصلاً به سیاست اعتماد ندارم ولی باز اگر چهارسال پیش به حرف من گوش میکردین لااقل الان چهارسال جلوتر بودین و زودتر عملکرد آقای رئیسی براتون روشن میشد!»

اظهار نظر در زمینه‌های مختلف از سوی سلبریتی‌ها فقط به این موارد ختم نمی‌شود. اظهار نظر بهنوش بختیاری درباره حکم اعدام معترضان آبان ماه ۹۸ در حالیکه جامعه به لحاظ روانی نسبت به این مسأله حساسیت خاصی داشت، نظر سحر قریشی درباره حضور زنان در استادیوم با توجه به تلاش‌ها برای رفع موانع این اتفاق بزرگ و در موردی دیگر برخورد تمسخرآمیز با یک پاکبان، حواشی ایجاد شده توسط بهاره رهنما درباره طرز فکر برخی دختران ایرانی در برنامه شام ایرانی و توهین به قوم لر و ... جنجالی است که هر از گاهی در فضای مجازی رخ می‌دهد و معمولاً با ابراز ندامت و پشیمانی و با گفتن جمله مشهور منظوم این نبود و برداشت غلط مردم و بهانه‌هایی از جنس توطئه همچون دامن زدن به مسأله از جانب بدخواهان و رقیبان و ... ظاهراً به پایان می‌رسد.

بهنوش بختیاری، از چهره‌های مشهور سینما و دنیای سرگرمی در ایران، با دعوت مردم به شرکت در انتخابات پیش رو در ایران، بی‌شرمانه از مردم خواست که «غرغر، نق و اعتراض‌های الکی» را تمام کنند و رای بدهند.

جمعی از کاربران شبکه‌های اجتماعی با اشاره به این دوگانگی رفتار و گفتار ستارگان ایرانی، سخنان بختیاری را با تصاویری از کشته‌شدگان اعتراض‌های سال‌های گذشته در ایران، قربانیان شلیک به هواپیمای مسافری اوکراین و تصاویری از فقر در ایران باز نشر کرده و آن‌ها را نمونه‌هایی از «غرغرهای الکی مردم ایران» نامیده‌اند.

بهنوش بختیاری در انتخابات چهار سال قبل از هواداران روحانی بود و در پیام تبریک انتخاب ایشان نوشته بود «آقای روحانی ما برای شما فحش خوردیم..... بهمون چیزهایی گفتن که تا حالا نشنیده بودیم..... پشتیبان این قشر باشید..... ما هم قول میدیم دوستتون داشته باشیم دکتر روحانی عزیز و محترم»

تأثیرگذاری سلبریتی‌ها بر بسیاری از رویدادهای اجتماعی و سیاسی انکار ناپذیر است. متأسفانه در حال حاضر بسیاری از سلبریتی‌های جامعه ما، از موقعیت خود در جامعه به نفع ارتجاع بهره می‌گیرند. البته که تاریخ در مورد آن‌ها

قضاوت خواهد کرد و شاید نتیجه کار خود را با بایکوت مردم درک خواهند کرد. به قول سعدی (باب اول گلستان): «تا مرد سخن نگفته باشد، عیب و هنرش نهفته باشد...»

مریم اکبری منفرد، زندانی سیاسی که از سال ۱۳۸۸ در حبس به سر می‌برد، طی نامه‌ای از زندان سمنان نوشته است: «تحریم انتخابات یک وظیفه ملی و تاریخی است که صبح آزادی را نزدیک می‌کند. آن چه الان رقم زده می‌شود خروش همان خون‌های ریخته شده است. طنین صدای مادران ۶۷ است.»

سه برادر و یک خواهر مریم اکبری منفرد در سال‌های دهه ۶۰ به جرم هواداری از سازمان مجاهدین خلق اعدام شده‌اند. خانم اکبری مادر سه دختر است و در ۱۲ سال حبسش حتی یک روز هم به مرخصی نیامده است. بنیاد «ستار بهشتی» تصویری از گوهر عشقی، مادر این زندانی جان‌باخته را منتشر کرده که نوشته‌ای با این پیام به دست دارد: «رای شما رای به ویرانی بیش‌تر ایران و رای به کشتار مردم بی‌دفاع است، در خون به ناحق ریخته جوانان شریک نشوید.»

مادر بهنام محجوبی، درویش گنابادی جان‌باخته در زندان نیز در پیامی تصویری گفته است: «به خاطر بهنام و بهنام‌های وطنم در این انتخابات شرکت نمی‌کنم و انگشت در خون فرزندانم نمی‌زنم.»

اکنون شاید در نزد سران و مقامات و عوامل و عناصر جمهوری اسلامی، چیز تغییر نکرده و وضعیت به روال سابق ادامه دارد. در حالی که رئیسی در نزد افکار عمومی ایران و جهان یک جنایت‌کار است و پرونده‌های سیاه و سنگینی در آدم‌کشی دارد. او ده‌ها هزار شاکی در داخل و خارج ایران دارد. مهم‌تر از همه این‌بار مردم ایران نشان دادند که این حکومت را نمی‌خواهند. بنابراین بر خلاف تصویرت سران و مقامات جمهوری اسلامی بسیاری از مسایل در داخل و خارج کشور در حال تغییر است و این تغییرات می‌تواند بحران‌های اقتصادی و سیاسی جمهوری اسلامی را شدیدتر کند. مردمی که ۴۲ سال کشتارها و سرکوب‌های جمهوری کشتار جمعی زندانیان در سال ۶۷ به فرمان خمینی و دی‌ماه ۹۶ و آبان ۹۸ را فراموش نکرده‌اند، صدای بازماندگان آن جنایت‌ها و سرکوب‌ها را روزبه‌روز رساتر و بلندتر می‌شود، زنانی که از سرکوب‌های سیستماتیک و حجاب اسلامی و ناامنی خسته شده‌اند؛ خانواده‌هایی که عزیزان خود را با شلیک دو موشک سپاه پاسداران به هواپیمای مسافری اوکراینی از دست داده‌اند، خلق‌های تحت ستم ایران که از تبعیض و سرکوب جان‌شان به لب‌شان رسیده است، انبوهی از مردم که در فقر و نداری زندگی بسیار دشوار و سختی دارند و... این مردم، از این جهنم سوزانی که جمهوری اسلامی برایشان ساخته است، بار دیگر به صندوق‌ها هجوم آوردند پس از این جدی‌تر و فعال‌تر در صحنه سیاسی ایران حضور پیدا خواهند کرد.

اکنون بیش از هر زمانی حتی متوهم‌ترین شهروندان ایران به خوبی فهمیدند که در این نمایش انتخابات چه ضربه هولناکی را بر حکومت تبه‌کار و مافیائی، دروغ و فریب، سانسور و کشتار وارد آورده‌اند. مردم ایران با صدای بلند و بدون ترس و اهمه تحریم نمایش انتخابات را فریاد زدند. در این فضا مردم ایران و جهان پیام مادران کشته‌شدگان دی‌ماه ۹۶ و آبان‌ماه ۹۸ و صدای خانواده‌های دادخواه را شنیدند، صدای گسترده تشکلهای مستقل مدنی کارگران و بازنشستگان و مردم آزادی‌خواه را شنیدند، و نهایت این بار این بار با خالی گذاشتن حوزه‌های رای‌گیری در ۲۸ خرداد ۱۴۰۰، واهمه به جان سران و مقامات سیاسی و نظامی و قضائی و غیره حکومت انداختند.

اکنون مهم نیست با تقلب رئیسی شیخ قاتل رئیس جمهوری شد، مهم نیست مشارکت مردم در انتخابات چند درصد و به چه میزان اعلام کردند، مهم نیست چند میلیون رای به صندوق‌های حکومت آدم‌کش ریخته شد. سخنرانی‌های سریالی مضطربانه و ملتمسانه خامنه‌ای در این روزها نشان‌دهنده این واقعیت است که او از پیش از این دریافته بود که شکست

خورده است. اکنون کل سران و مقامات و نهادهای جمهوری اسلامی فهمیده بود که حکومت‌شان حتی آن پایگاه ضعیف خود را نیز از دست داده است.

هر چند که یکی از پایه‌های اصلی این حکومت دروغ و دروغ‌بافی‌های بزرگ است. اما اکنون صدها گزارش و عکس و ویدئوی مردمی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده‌اند که نشان می‌دهند حوزه‌های رای‌گیری بسیار کساد و خلوت است. بنابراین مردم به این دروغ‌های جمهوری اسلامی می‌خندند و به خوبی می‌دانند که در این عرصه حکومت را شکست داده‌اند.

حکومت با انتصاب رئیسی به ریاست جمهوری اسلامی بیش از پیش هم در داخل کشور و هم در سطح منطقه‌ای منزوی‌تر خواهد شد. رئیسی جرات سفر به خارج را نخواهد داشت چرا که احتمال دارد به دلیل جنایت علیه بشریت و پرونده‌های سنگین از جمله در نزد نهادهای بین‌المللی مدافع حقوق بشر دارد. به همین دلیل جمهوری اسلامی به بن‌بست رسیده و راه رهائی ندارد.

اگنس کالامار، دبیر کل سازمان عفو بین‌الملل خواستار آن شده است که ابراهیم رئیسی رئیس‌جمهور تازه جمهوری اسلامی ایران بابت اقداماتش که وی آن را «جنایات علیه بشریت» خوانده تحت تحقیقات کیفری قرار گیرد. خانم کالامار گفته است «این که ابراهیم رئیسی به مقام ریاست جمهوری دست پیدا کرده است به جای آن که به دلیل ارتکاب جنایات علیه بشریت، از جمله قتل، ناپدیدسازی قهری و شکنجه تحت تحقیقات کیفری قرار بگیرد، نمودی فجیع از سلطه مطلق مصونیت در ایران است.»

درخواست تعقیب کیفری رئیسی ساعاتی پس از مطرح شد که وزارت کشور جمهوری اسلامی ایران رئیسی را پیروز سیزدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری اعلام کرد.

این در حالی است که خبرگزاری آسوشیتدپرس، با انتشار گزارشی از نامه‌ای که رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه برای رئیسی نوشته، خبر داده است. اردوغان در این نامه ضمن تبریک گفتن به رئیسی ابراز اطمینان کرده است که مناسبات دو کشور در دوره زمامداری رئیسی گسترش خواهد یافت.

از سوی دیگر، ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه نیز پیروزی رئیسی را تبریک گفته است. پوتین به مناسبات خوب و دوستانه دو کشور ایران و روسیه اشاره کرده و گفته است: «من معتقدم که فعالیت‌های شما به عنوان رئیس‌جمهور ایران به پیشرفت همکاری سازنده دو کشور در عرصه‌های مختلف و همچنین شراکت با یکدیگر در مسائل بین‌الملل راه خواهد برد.»

تنها چند روز پس از شروع به کار دولت ابراهیم رئیسی، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک آغاز می‌شود. جایی که «احمدی‌نژاد» و «روحانی» بارها در طول ریاست‌جمهوری خود به آن سفر کردند؛ اما به نظر می‌رسد که چنین فرصتی برای رئیسی به آسانی فراهم نیست. او به دلیل نقض گسترده حقوق بشر در ایران از سوی آمریکا تحریم است. شخص تحریم شده و اعضای درجه یک خانواده او از ورود به خاک آمریکا محروم هستند و دارائی احتمالی آن‌ها باید توقیف شود.

لازم به تاکید است که برای سیستم سرمایه‌داری جهانی و دولت‌های حامی سرمایه مهم نیست طرف مقابلش چه سابقه‌ای دارد برایش مهم آن است که در این معامله چهقدر سود خواهد برد.

در پایان می‌توانیم تاکید کنیم که اکنون از دست دادن پایگاه اجتماعی جمهوری اسلامی، روحانیت و نخبگان در قدرت، در طی ۴۲ سال واقعی است که اکثریت شهروندان ایرانی که با مشکلات زندگی روزمره و عدم چشم‌انداز فرزندان خود روبه‌رو هستند را تشدید می‌کند. حکومت تعداد کمی هوادار دارد که منفور و منزوی هستند.



عکس‌های سفارشی و نمایشی ویژه روزهای انتخابات!

پیروزی ابراهیم رئیسی را از قبل تعیین و تضمین کرده بودند چرا که رهبری جمهوری اسلامی تصمیم گرفته بود آرای رئیسی را بالا ببرد تا در نزد افکار عمومی ایران و جهان رسواتر نشود و به همین دلیل حوزه‌های انتخابات را تا نصف شب باز نگه داشتند تا انصار حزب‌الله و نیروهای بسیج و سپاه شبانه و به دور از چشم مردم و رسانه‌ها به راحتی جابه‌جا شوند و صندوق‌های رای را پر کنند.

اکنون بیش از هر زمان دیگری اکثریت مردم ایران در درون و خارج کشور احساس می‌کنند که یک موضوع مشترکی برای مبارزه همگام با یکدیگر در پیش گرفتند و این می‌تواند امید بخش باشد و این می‌تواند سرآغاز برپائی جنبشی باشد که در آن عموم شهروندان شرکت کنند و دست به دست یکدیگر دهند تا این تلاش‌ها به یک جنبش بزرگ در داخل و خارج کشور تبدیل گردد و بتواند در یک برآمد توده‌ای کار حکومت را یکسره کند.

وعده‌های معیشتی و اقتصادی حسن روحانی در هشت سال گذشته. وعده‌هایی مانند نجات اقتصاد ایران، بهبود رشد اقتصادی، تک رقمی کردن تورم و رفع فقر مطلق. قول‌هایی که نه تنها بسیاری‌شان عملی نشد، بلکه در عمل، شاهد سفره‌های کوچک‌تر و مشکلات اقتصادی بیش‌تر بخش بزرگی از شهروندان ایرانی هستیم.

ابراهیم رئیسی از ۱۲ مرداد به مدت ۴ سال فرصت دارد تا برنامه‌های خود برای سامان دادن اقتصاد ایران را عملیاتی کند. دولت آینده جمهوری اسلامی که خود را «دولت مردمی» می‌نامد، قرار است تولید را افزایش و صادرات را ۲ برابر کند، این هدف در سال نخست به‌گونه‌ای است که در سال ۱۴۰۱ میانگین نرخ رشد اقتصادی ایران بدون نفت و با افزایش بهره‌وری به بالای ۵ درصد برسد و تمام نیاز ارزی ایران در سال ۱۴۰۲ فقط از طریق صادرات غیرنفتی تامین شود و در پایان دولت آینده هم صادرات غیرنفتی ایران از ۳۵ میلیارد دلار به بیش از ۷۰ میلیارد دلار و سهم صادرات غیرنفتی به کشورهای همسایه هم دست‌کم ۲ برابر شود و از ۲۰ میلیارد دلار فعلی به بیش از ۴۰ میلیارد دلار برسد.

بی‌تردید در چنین شرایطی تقویت جنبش‌های اجتماعی همچون جنبش دادخواهی مادران جان‌باختگان، جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش دانشجویان و جوانان، جنبش محیط زیست، جنبش خلق‌های تحت ستم ایران، شورای بازنشستگان، کانون معلمان، کانون نویسندگان، سندیکای هفت‌پیه اتحادیه اتوبوس‌رانی تهران و حومه، کشاورزان اصفهان، مال‌باختگان و... می‌تواند سرآغاز پایان یک دوران پر تلاطم برای مردم ایران باشد و روزشماری سقوط کامل و کلیت جمهوری اسلامی آغاز گردد!

یکشنبه سی‌ام خرداد [جوزا] ۱۴۰۰ - بیستم جون ۲۰۲۱